

اب از بالا و زیر بران می گشت در آمد و خواص نذیرمان وی با وی در
 در انتهای آنکه نشسته بودند خندان بنده بعد از آن گفت که چون از حقیقت
 نمی برسید گفتند اشک الله شک یا امیر المومنین سبب خنده چیست گفت گفت
 باشد در همین مجلس با خواص خود همین صورت نشسته بودند بر بالای سر وی استاده
 بودند و با خود گفت که من بسی اندیشه کردم درین مسئله که خلق در است در آنکه هر
 را بیان خوانده قبول کرده مینویسند آنچه در دست ماست از حال و حال
 بعد از خراب بسیار از ضربت و جسد غیران بنا بر قوت دین محال در آن
 نگردد و در این شکلی بدل در آمده است بمانند که قصه آن کردم که این را ترک
 گشتم و خوش درین کلمه این ملی و داد که از حاضران مجلس بود و درین مسئله علو
 تمام داشت گفت الله الله یا امیر المومنین زینهار که این سنت است که خود زنده
 بمرانی منفعت مان بسی عهد کرده اند رسیدند بناچار نور سیدی خدایتعالی را
 جزای خیر دهد و بر آنچه کردی در حق اسلام و درین باب بیگانه بسیار کرد
 خوف اثر که میاد که ازین نه مذهب بر کرد و دان گفت خدایتعالی
 مرا مخلوق کرد اناد در دار دنیا برش از آنکه با خیرت کردم اگر امیر المومنین

بر آن گفته است



Copyrighted material